

امروزه هنرها در یک رشته هنری به ابعاد متفاوتی از زوایا و جنبه‌های احساسی انسانی پرداخته‌اند که در گذشته کمتر بدانها توجه می‌شد و بخش‌های مختلف یک هنر که برخاسته از شیوهی متفاوت زندگی امروزی نسبت به گذشته است رشد نموده که از نتایج تاثیرات همجواری با دیگر فرهنگها و تنوع اندیشه درین جوامع نشات گرفته است و معیارهای جدیدی را بوجود آورده و ساختار سنتی فرهنگی را دگرگون کرده است.

تغییرات سیاسی و مرزهای جغرافیایی شکننده باعث بوجود آمدن تعدادی کشورهای جدیدی شد و باعث گردید اقوامی که سالیانی طولانی زیر سیطره‌ی قدرت حاکمان و در زیر یک چتر سیاسی-فرهنگی روزگار می‌گذراندند از هم جدا و دور شوند و به عنوان کشور و ملیت‌های جدیدی بحفظ هویت‌های خود پردازند.

از سویی اقلیت‌های قومی ساکن در یک مجموعه متشکل نیز برای حفظ سنتها و بقای فرهنگی خود، به آفرینندگی در بخشهای هنری پرداخته و تقریباً در هر منطقه‌ای که این تغییرات انجام پذیرفته است، توجه بیشتری نسبت به ادوار گذشته به سنتها و آئین‌های فرهنگی شده است. هجوم بی‌امان فرهنگی غرب بویژه فرهنگ آمریکائی، حتا کشورهای اروپایی را نیز نگران ساخته و فرهنگ آنان را نیز دستخوش تغییراتی ساخته است. مرزهای فرهنگی آنچنان به هم نزدیک شده‌اند که به نظر می‌رسد از جهانی شدن آن چندان زمان طولانی باقی نمانده است.

زبان غالب و فراگیر انگلیسی و فرهنگ و تکنولوژی صادره از آمریکا و کشورهای اقمارش و بویژه تولیدات موسیقیایی و سینمایی و پخش گسترش آنها، و تقلید و دنباله روی کشورهای پیرامونی باعث گردیده که بعنوان نمونه حتا کشور ترکیه از تاثیرات آن بی‌نصیب نماند و در زمینه‌ی هنری موسیقی جاز آمریکایی جای خود را در آن کشور باز کرده است، که از ثمرات پایگاههای ارتش آمریکا و تاثیرات کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در آنجا بوده است.

انقلاب سال ۵۷ ایران، تغییرات سیاسی و جابجایی حکومت‌ها در افغانستان و کشورهای اروپای شرقی و باز شدن مرزهای شوروی سابق و امروز عراق باعث گردیده که گروه کثیری از مردم عادی، تکنوکرات‌ها، دانشمندان و هنرمندان جلائی وطن کرده و ناچار از مهاجرت به کشورهای امن تری شوند که این جابجایی زمینه ساز غنای فرهنگی کشورهای میزبان نیز شده و ترکیب فرهنگی جدیدی را بوجود آورده است. مهاجران روس، آذربایجان و بخصوص کشورهای ترک زبان شوروی سابق در بخشهای مختلف بویژه موسیقی بدنبال امنیت و امکانات شغلی مناسب تر راهی ترکیه و سایر نقاط دیگر شده‌اند و ترکیه از جمله مهمترین مکانهایی است که مورد انتخاب این مهاجران بوده است. هنرمندان و تکنوکرات‌های ایرانی نیز بدنبال آزادی‌های انسانی خویش جلائی وطن کرده تا در محیط با ثبات تری زندگی را سپری نمایند، تا بدون هیچ اما و آگری از توانایی خود بهره گیرند و آینده‌ی بهتر و امن تری برای خود و فرزندان خویش بوجود آورند.

در حیطة و محدوده‌ی فرهنگی یک جامعه مشخص نیز که هنوز چند پاره نشده، گروههای زیادی از مردم در درون مرزهای فرهنگی و سیاسی کشور خویش بعلت نبودن امکانات رفاهی و تسهیلات زندگی، ناچار از مهاجرت شده‌اند و از روستا به شهرهای کوچک و از شهر به مراکز بزرگتر و نهایتاً پایتخت محل زندگی خود را تغییر داده‌اند و این جابجایی از هر نوع آن بسیاری از ارزش‌های فرهنگی را ناچار از تغییر ساخته است و ریشه‌های سنتی که سالیانی دراز در فرهنگ و سنت جای داشتند از جای بدرآورده و در زمینه‌ی دیگر که از آن نبود و هوایی که مالوف تنفس فرهنگیست با آن بیگانه بود نشانده است.

خیلی‌ها را خشکاند و خیلی‌های دیگر ثمری ندادند، تنها گروه اندکی با جان سختی از این مهلکه رهیده و به تولیدات فرهنگی پرداخته است. اما در زمینه‌ی پخش کار به چند علت مهاجر ایرانی خارج از وطن با دشواری طاقت فرسای روبروست و اثر هنری تولید شده با مشکلات بسیاری بدست مصرف کننده و مخاطب آن می‌رسد، مصرف کننده هم بعلت کمبود وقت و کار در جوامع بیگانه و غم نان فرصت کافی و شاید توان مالی مناسب! توان بهره‌گیری از تولیدات فرهنگی را دارا نیست.

اما از سویی بقای فرهنگی نیاز به آفرینندگی در بخشهای مختلف فرهنگی دارد، تا زندگی و زنده بودن و هویتش را بتو یادآور شود و اگر در بخش فرهنگی امکان تولید نباشد، و یا توان ارتباط و مصرف آثار فرهنگی میسر نشود، همان هجوم بی‌امان که در بطن آن زندگی می‌کنیم و جذابیت‌های بی‌شمار سطحی و روزمره غالب می‌شوند و پس از مدتی بحران هویت گریبان را می‌گیرد که چگونه وجود خود را انکار کرده‌ای و ناچار از حذف خود شده‌ای که درین برهوت، فرهنگ و هویت تنها چیزی بوده است

که در توشه به‌مراه داشته‌ای که دیگر رنگی از آن باقی نمانده است. نابسامانی‌ها و تغییراتی که در کانونهای خانوادگی مهاجران تازه وارد پس از مدتی بوجود می‌آید ناشی از نبودن پایه‌ای مستحکم و برابر است که خود مزید بر علت است و دشواری‌های مهاجرت را صدچندان ساخته است.

اما باید گفته شود که تمامی فرآورده‌ها و تولیدات فرهنگی خودی نیز نباید بدون نقد و داوری بزعم آنکه نیاز به تولیدات فرهنگی وجود دارد بسادگی پذیرفته شوند و از امکانات جوامع میزبان و آزادی‌های فعالیت‌های هنری باید آموخت و سطح آگاهی‌های هنری را باید ترمیم کرد و دیدگاه‌های متفاوتی را که در کشور «مادر» فاقد بودیم و یا امکان آفرینندگی را نداشته‌اند در اینجا تجربه کنیم، تا در طیف گسترده‌تر و بینش آگاهانه‌تری از آثار هنری لذت ببریم. تامل و تحلیل می‌توانند ما را در کشف کیفیات و یا ویژگی‌های هنری یاری دهند.

محدودیت و کنترل تولیدات فرهنگی-هنری در طول چند دهه گذشته و جهت دادن به سوی دیدگاهی خاص و نبودن ارتباط آزاد بین آفریننده هنر و مخاطب بصورت عام باعث گردیده که اندیشه‌ی هنری تنها در مسیری خاص به تولید پردازد، به ساده نگری دچار شود و ناچار از حذف بخشی از خود گردد، ارزش‌ها و شاخص‌های جدیدی در ارزیابی هنری حاکم و مورد توجه قرار گیرند. رویکرد به سنت در همه‌ی بخشهای هنری بوضوح دیدگاههای هنری حاکم را مطرح می‌سازند. رجعت به گذشته و حمایت از هنرهای سنتی و احیای مجدد بخشی از این هنرها که قابلیت رشد را دارا نیستند، توان هنری و پویایی اندیشه‌ی هنرمند را در دایره‌ای بسته بکار می‌گیرد که با زبان امروزی هنر فاصله دارد.

مخاطب هنرها نیز در طول چند دهه‌ی گذشته به ساده نگری گرایش پیدا کرده و بعلت نبودن تولیدات گوناگون هنری، ساختار ذهنی و اندیشه عام دارای دیدی عمقی و آگاه نیست. ناگفته نماند که گروهی از دوستداران هنر هستند که در هر شرایطی خواهان هنرهای متعالی و دگرگونه و باسطحی متفاوتند که بخشی کوچک را در جامعه شامل می‌شوند، اما منظور طبقه‌ی متوسط است که امکان خرید و یا دسترسی به آثار هنری را دارا نیست.

بهرروی این ساده نگری و نداشتن بینش هنری با مهاجر همراه بوده و این قابلیت از وی دریغ گردیده است. برنامه‌های هنری سرگرم کننده و خلأیی که از این جهت در جامعه‌ی ایران وجود داشته و دارد باعث گردیده که این نوع برنامه‌ها مورد استقبال بیشتری نسبت به برنامه‌های پرمحتوا و دارای تفکر قرار بگیرد، و در مقام مقایسه آثار هنرمندانی که در سطح هنری بالاتری نسبت به برنامه‌های سرگرم کننده آفریده شده‌اند و دارای بینش عمیق تری هستند با کمبود تماشاگر روبرو بوده است و هنرمند همواره دغدغه‌ی بازتاب تاثیرات هنرش و بازدهی مالی را داشته است.

در جوامع آزاد غربی این اختلاف و یا نسبت توجه به برنامه‌ها نیز وجود دارد اما با انتخاب آزادانه توأم است و چیزی از مخاطب و مصرف کننده دریغ نگردیده است یعنی همه نوع تولید در هر سطحی برای افراد انجام می‌پذیرد و این مصرف کننده‌ی هنر است که چیزی را می‌پسندد و برمی‌گزیند و به هیچ روی جریانی یا تفکری عامدا در صدد جهت دادن به اندیشه هنری و یا منع کننده اثر هنری نیست و دو سوی هنر یعنی آفریننده و مخاطب می‌توانند در جهت اعتلای اندیشه‌ی هنری خود بکوشند. در طول تاریخ هنر، همواره هنر دارای تفکر و اندیشه با کمبود مخاطب روبرو بوده است و هنرهای سطحی و سرگرم کننده بیشترین تاثیرات را داشته‌اند، اما اینکه بخواهیم بخشی گسترده از دیدگاههای هنری را ممنوع سازیم و اجازه آفرینندگی آزادانه را از هنرمند دریغ کنیم نتیجه آن می‌شود که تولیدات هنری محدود و مخاطب هنر و دوستداران آن نیاز خود را به گونه‌ای دیگر برطرف می‌سازند و هر اثری در هر سطحی را مورد توجه قرار می‌دهند. که این همان ساده نگری فرهنگی است که امروزه باعث رشد این نوع تولیدات شده است و از خارج مرزهای ایران بوسیله‌ی ماهواره خوراک مصرفی هنری را به دست مخاطب داخلی می‌رساند.

باید گفته شود هنرهای سنتی که بخشی از دیدگاههای هنری را شامل می‌شوند بعنوان پایه و زمینه‌ی اصول گسترش خلاقیت‌ها بطور قطع باید مورد توجه قرار گیرند و حمایت شوند اما این امکان را نیز باید برای دگر بخشها فراهم نمود تا قابلیت‌های نهفته را آشکار سازد.